



## ۳۰ سال میزبانی از ۳ میلیون میهمان

هم میزبان پناهندگان افغان باقی ماندیم. دفترچه‌های بسیج اقتصادی و کوپن‌های تهیه ارزاق عمومی در اختیار میهمانان افغان هم قرار گرفت. گاه پیش می‌آمد که دریافت ارزاق جیره‌بندی شده برای آوارگان بسی‌آسان‌تر از ایرانیان بود. ما آوارگان را در محل‌های مشخص محدود نکردیم. دورشان دیوار نکشیدیم و مانند برخی کشورهای غربی در کمپ‌ها اسیرشان نکردیم. آوارگان افغان به منازل ما آمدند. همسایه ما شدند. جنگ به سخت‌ترین شکل ممکن ادامه داشت، اما نتوانست انسان دوستی و مروت ما را تحت تأثیر خود قرار دهد. در همان حال به دلیل تحریم‌های گسترده، از کمک‌های بین‌المللی به ایران خبری نبود. دولت جمهوری اسلامی باید هزینه حضور میلیون‌ها میهمان ناخوانده را یک‌تنه بر دوش می‌کشید.

### تحصیل رایگان

مدارس ما میزبان کودکان آواره افغان شد. هنوز کلاس‌های پر ازدحام دهه شصت و دانش‌آموزان افغانی که تعدادشان کم هم نبود، از خاطر بسیاری از ما پاک نشده‌است. برخلاف شعارهایی که امروز توسط برخی رسانه‌ها برای انحراف و تحریف حافظه تاریخ منتشر می‌شود، کودکان و نوجوانان دهه شصتی ایران شهادت می‌دهند که ده‌ها هزار کودک افغان میهمان کلاس‌های درسی بودند که بر مبنای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حضور رایگان در آن‌ها، تنها برای کودکان ایرانی مجاز بود. برای ثبت نام

پشتیبانی بی‌دریغ خود را از برادران مسلمان و مظلوم افغانی اعلام می‌داریم و اشغالگران را شدیداً محکوم می‌نماییم. ما مسلمانیم و شرق و غرب برایمان مطرح نیست. ما از مظلوم دفاع می‌کنیم و بر ظالم می‌تازیم. این یک وظیفه اسلامی است. امام (ره) همواره در سخنانشان از آوارگان و پناهندگان افغان با عنوان «میهمان» یاد می‌کردند. سفارش ایشان در مورد آوارگان افغان و سایر مسلمانانی که به ایران پناهنده شده بودند، میهمان‌نوازی و رعایت موازین اسلامی بود: «میهمانیهایی که داریم، خوب افغانی هستند، مسلمان هستند، یا فرض کنید که عراقی هستند، یا بیچاره‌ها را از خانه هایشان دور کردند، مالشان را بردند، خودشان را فرستادند اینجا. خوب، باید چه کرد با اینها؟ نباید اینها را پذیرایی کرد؟ ما مسلمانیم، آنها هم مسلمانند. ما باید از آنها پذیرایی کنیم. خدمت کنیم به آنها» کلام امام (ره) وقتی با میهمان‌نوازی ذاتی ایرانیان در آمیخت، ایران میزبانی میلیون‌ها آواره و پناهنده افغان را، برای بیش از سه دهه، بر عهده گرفت.

### هر چه بود با هم خوردیم!

کمتر از یک سال پس از ورود آوارگان افغان به ایران، جنگ تمام عیار غرب علیه نظام اسلامی آغاز شد. ارتش بعث عراق بخش‌های وسیعی از غرب کشور را با کمک‌های همه‌جانبه و تسلیحات غربی‌ها اشغال کرد. ارزاق عمومی جیره‌بندی شد. امکانات رفاهی به حداقل رسید. تجهیزات پزشکی نایاب شد؛ اما ما باز

جواد نوائیان رودسری | هنوز یکسال از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که نیروهای سپاه چهلیم شوروی از مرزهای شمالی افغانستان وارد این کشور شدند و به سرعت خود را به کابل رساندند. هدف آن‌ها پشتیبانی از دولت کمونیستی افغانستان بود. شعله‌های جنگ خیلی زود تمام سرزمین محنت‌زده افغانستان را در نور دید. ناامنی سراسر کشور را فرا گرفت و بسیاری از اسلام‌خواهان به جوخه‌های مرگ سپرده شدند. چاره‌ای جز کوچ نبود؛ اما به کجا؟ نگاه بیشتر آوارگان به مرزهای غربی دوخته شده بود، به ایران. به سرزمینی فرهنگ، دین و زبان مشترک در کنار مهربانی و میهمانی دوستی سابقه‌دار مردمانش، می‌توانست در دل آوارگان خسته از جنگ و خونریزی و مصیبت، چراغ امید را روشن کند.

### اصلاً آماده نبودیم

انقلاب تازه پیروز شده بود. اصلاً در شرایطی نبودیم که بتوانیم میزبان میلیون‌ها پناهنده باشیم. جمهوری اسلامی ایران نخستین ماه‌های حیاتش را سپری می‌کرد. هنوز اداره امور کشور به حالت عادی برنگشته بود. ساختار اقتصادی کشور که بر بنیان فروش نفت قرار داشت، به دلیل اختلال در جریان فروش نفت، با مشکلات اساسی روبه‌رو بود. با این حال ما مرزهایمان را بر روی آوارگان افغان نیستیم. نگاه ما به موضوع آوارگان افغانی، نگاهی سیاسی نبود. امام خمینی (ره) حمایت از آوارگان و مردم مظلوم افغانستان را وظیفه‌ای اسلامی می‌دانستند: «ما بار دیگر